

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۲۱

جمعه ۳۰ تیر ۱۳۹۶، ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۷

## کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۸

## تراپ مهمان نفرت انگیز پاریس!

ناصر اصغری

صفحه ۹

## اعتصابات و اعتراضات کارگری در

سراسر کشور جریان دارد

حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۰



## مرگ فجیع آتنا اصلانی، کالبد شکافی یک فاجعه

سیامک بهاری

صفحه ۲

## مریم میرزاخانی، زن و حکومت اسلامی

بهروز مهرآبادی

صفحه ۳

## آلمان: یک اقتضاح سیاسی!

همکاری وزارت خانواده و زنان آلمان با جامعه

المصطفی و جامعه اسلامی شیعیان

گفتگو با مینا احدی

صفحه ۴

## طرح کارورزی، طرح بردگی

گفتگو با شهلا دانشفر

می‌گیرند و یک سوم حداقل دستمزد به آنها پرداخت می‌شود. اینکه جزئیات این طرح چیست؟ اهداف دولت از اجرای این طرح چیست؟ چگونه میشود با این تعرض حکومت اسلامی مقابله کرد؟ موضوعاتی است که با مهمان برنامه گفتگو شهلا دانشفر در میان می‌گذاریم؟

صفحه ۵

کارفرما میتواند با پذیرش کارورزی برای یک دوره ۴ الی ۶ ماه دوره کارورزی، بر اساس ماده ۹ آنان را به مدت دو سال با معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرما بکار گیرد. این طرح تحصیلمکردگان سنین ۲۳ تا ۳۴ سال، نیروی کار جوان، تحصیل کرده و آماده به کار را شامل می‌شود. و کارورزان در این مدت تحت پوشش بیمه حوادث قرار

این نوشته بر مبنای گفتگوی شهلا دانشفر در کانال جدید تنظیم شده است  
طرح کاج (طرح کارانه اشتغال جوانان) طرح بیگاری کشیدن از نیروی جوان بیکار این جامعه است. این طرح در آذر ماه سال ۹۳ به تصویب شورای اشتغال رسید. و مدتی است که توسط دولت به اجرا گذاشته شده است. بر طبق این طرح

## مردم بخوبی این حکومت را میشناسند

آنها را میشناسند. اصلاح طلبانی هم که در پی اصلاح داعش اند، در همین لجنزار تولید میشوند. روزی که شعار داعش برو گمشو در سراسر کشور طنین انداز شود دور نیست، روحیه رزمنده و تعرضی مردم بابل فضای جامعه را نشان میدهد.

چشم درآوردن و سنگسار و از جرقه‌یل آویزان کردن مردم و تحمیل مذهب به مردم عین کار داعش است. نفس حکومت اسلامی یعنی داعش. داعش نمی‌توانست بوجود بیامد اگر حکومت اسلامی نبود. یکی ورژن شیعه‌اش را درست کرد و یکی در مقابل دیگری ورژن سنی‌اش را برپا کرد. مردم ماهیت کثیف هر دوی

۲۷ تیرماه مردم بابل، زن و مرد، در اعتراض به گیر دادن و زورگویی نیروهای انتظامی و گشت ارشاد به یک جوان دست به تجمع زدند و با شعار "داعشی داعشی" مزدوران حکومت را عقب راندند. دخالت در ساده‌ترین زوایای زندگی مردم توسط حکومت اسلامی، تحمیل حجاب، دست و پا بریدن و

## مرگ فجیع آتنا اصلانی، کالبد شکافی یک فاجعه

سیامک بهاری



فرزندش را پیردازد. آموزش و پرورش در اینجا چه مسئولیتی دارد؟ نظام آموزشی پولی و کالایی باید همین جا جواب پس بدهد.

پدوفیلیسم یک بیماری روانی و پدیده شناخته شده به درجاتی قابل کنترل و درمان است. اما حکومتی که نه تنها عزمی برای بهبود جامعه ندارد بلکه خود بمعنوان مسبب و عامل بقای مصائب جامعه راه حلی هم برای بهبود وضعیت جامعه ندارد. لذا، سادهترین و کم هزینهترین راه سپردن اجرای حکم "عدالت" به دست احساسات جریحه دار خانواده مقتول است! چیزی نخواهد گذشت که قاتل را در محل جنایت در ملأ عام به دار خواهند کشید تا دهان جامعه را ببندند.

عامل اصلی و مسبب همه، محرومیت و فقر و فلاکتی که بی وقفه قاتل و مقتول بازتولید می کند، در نقش مجری عدالت در پای چوپه اعدام ختم پرونده قتل آتنا را اعلام کند تا باز هم آتناها، ستایشها، کیمیاها، کیانا ها و هزارن دیگر خاموش و بی صدا شکوفه های کودکی شان پرپر شود، باز به جامعه خون پاشیده شود و این چرخه جنون و جنایت بچرخد و قربانی بگیرد. دست خانواده مقتول را هم با آلوده کردن به خون دیگری، تنها به حال خود رها می کند.

تجاوز جنسی شرعی و

قانونی به کودکان

ایجاد رابطه جنسی با کودکان تجاوز جنسی است و تحت هر نام و توجیهی، باید یک عمل جنایی محسوب شود. قوانین شرعی و قضایی جمهوری اسلامی سن ازدواج دختران را پس از سالها اعتراض و فشارهای بین المللی از ۹ سال تمام قمری به ۱۳ سال تمام شمسی آنهم بنا به تشخیص دادگاه تغییر داد.

آمارهای رسمی سرشماری نفوس نشان می دهد دختران بیش از پسران در خطر ازدواج زودهنگام قرار می گیرند. برابر آخرین سرشماری کشور، از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، تعداد افراد ازدواج کرده در سن ۱۰ تا ۱۴ سال ۸۴۸ هزار نفر است. مشخص

و موضوع بی پناهی و عدم مصونیت اجتماعی کودکان عملا از دستور جامعه خارج شود. جمهوری اسلامی زیرکانه دستان خونین خود را پنهان می کند. تا بار مسئولیتی را که به عهده دارد، در پس فوران احساسات جریحه دار شده مردم مخفی کند و همزمان نقش مجری عدالت را هم ایفا کند.

اجرای کدام عدالت؟

بدیهی است که متهم به خاطر جنایتی که مرتکب شده است باید مجازات شود. این جنایت توجیه برادر نیست. اطلاعات منتشر شده از جانب نیروی انتظامی نشان می دهد فرد متهم به قتل، پدوفیل سابقه دار و شناخته شده ای است. اما به حال خود رها شده است. آزادانه می چرخد و جنایت می آفریند.

کدام مرکز درمانی او را به عنوان بیمار تحت مراقبت و درمان قرار داده است؟ چرا او بمعنوان فردی که صلاحیت ندارد تا آزادانه با کودکان تماس داشته باشد تحت کنترل نبوده است؟ بیماری که قادر به کنترل تمایلات جنسی خود نیست، حق دارد ملأوا بشود، بهبود پیدا کند و چون فردی سالم به آغوش جامعه و خانواده خود بازگردد. پرونده این کنترلهای معمول کجاست؟

خانواده متهم اما چرا مورد تعرض قرار می گیرند؟ چرا به خانه آنها حمله می شود؟ مادر، برادر و همسر و کودکان این فرد چرا مورد تعرض قرار می گیرند؟ خانه و وسعگازهاش چرا به آتش کشیده می شود؟ این خشم و عصبانیت بی آنکه متوجه ریشه های اجتماعی و سیاسی آسیب گردد در چاه قصاص خواهد افتاد.

سؤال ساده این است، چرا کودکی هفت ساله، محلی امن برای بازی و تفریح ندارد؟ چرا ناچار است در گوشه خیابان همراه پدر دستفروشی کند؟ چرا او بدون تأمین نیازهای اولیه کودکانه اش به حال خود رها شده است؟ چرا نهادی دولتی او را تحت حمایت نگرفته بود و امکانات مهد کودک رایگان در اختیار او و خانواده اش قرار نداشته است؟ پدر تهیدست، نمی تواند مخارج مهد

اخلاقی تحمیلی به جامعه و نقش واقعی دستگاہهای قضایی و انتظامی جمهوری اسلامی را برملا کند و جوهر اصلی این جنایات مکرر را کشف و از ریشه بخشکاند. عامل بی پناهی و بی حقوقی سیستماتیک کودکان خود جمهوری اسلامی است. فقر و فلاکت، بیکاری و اعتیاد، فروش جنین و نوزاد، مانند جهنمی زیر پای جامعه دهان باز کرده است و کرامت انسانی را می بلعد.

انگشت اتهام به طرف کیست؟! دخترکی هفت ساله همراه پدر دستفروشی می کند، این تنها امکان در آمد خانواده است. خیابان و رهگذران محیط بازی و سرگرمی اوست. ماه رمضان است و نمی تواند در ملأ عام آب بنوشد، به ناچار دخترک تشنه، به مغازه ای می رود. در آنجا فردی با سابقه کیفری آزار جنسی، در کمین نشسته است. فردی که بعدها می گوید "به یکبار نقشه شیطانی به سرم زد!" به سادگی و بدون هیچ مانعی موفق می شود نقشه شومش را عملی کند.

پس از گذشت ۲۲ روز از واقعه دستگاه انتظامی نتوانسته اقدام مؤثری انجام دهد. با پیدا شدن جسد آتنا که به طرز فجیع و بی رحمانه ای قتل رسیده است. خشم مردم عاصی فوران می کند. عده ای بدون ممانعت و کنترل نیروی انتظامی به مغازه و منزل فرد متهم حمله می کنند. خانواده متهم، عملاً ناچار به فرار از شهر می شوند. این در حالی است که خود آنان محل اختفای جسد را کشف و به پلیس اطلاع داده اند و متهم را به پلیس معرفی کرده اند. خشم و عصبانیت مردم، عامدانه به سمت فرد "متهم" مهندسی می شود. از این ساده تر نمی توان صورت مسئله را پاک کرد. "قاتل باید قصاص شود!"

این تنها سناریویی است که جمهوری اسلامی مقابل مردم می گذارد تا مانع ریشه یابی جرم و جنایت بشود. با کشتن متهم، آسیب وارد شده به جامعه را توجیه می کند

مرگ جانگداز آتنا اصلانی جامعه را بشدت تکان داده است. اندوه سنگین این فاجعه برای مادر و پدرش و کل جامعه غیر قابل توصیف است. همدردی و جان بیدار و آگاه جامعه با این خانواده داغدار ستودنی است. همه ما می دانیم آتنا نه اولین قربانی است و نه آخرین. تراژدی دردناک بی پناهی کودکان، قربانیان بی شماری که نه قدرت دفاعی دارند و نه فریاد دادخواهی شان شنیده می شود.

از فاجعه مرگ جانخراش کیانا حسینی، ستایش قریشی، تا آتنا اصلانی و کیمای هفت ساله در کرج! از آزار جنسی دانش آموزان مدرسه ای در تهران توسط ناظم بسیجی تا تجاوز جنسی قاری محبوب رهبری، تا پدری که فرزند ۶ ساله اش را به زیر خودرو می اندازد تا دیه بگیرد، از آنها که رسانای شده اند، تا انبوه قربانیانی که در سکوتی دردناک دیده و شنیده نشده اند، فجایع مکرر پنهان شده در جامعه ای است که در مصائب بیشمار غوطه می خورد و مدام قربانی می دهد.

در جمهوری اسلامی ایران، حق و حمایت از کودک نه تنها جایگاه قانونی تعریف شده ای ندارد که برعکس، آزار و پایمال کردن حق کودک و جاهت شرعی و قانونی دارد! در قوانین جزایی کشور صرفاً وقتی به موجودی به نام کودک اشاره می شود، که باید حد شرعی بر او جاری شود! در غیر این صورت کودک نه موجودی مستقل و صاحب حق، که فردی محجور و در نهایت در تصاحب پدر است. این تمام آن چیزی است که به نام کودک و دوران کودکی در قوانین جمهوری اسلامی جاری است. مرگ امثال آتنا پدیده ای قابل انتظار و مکرر در نظام اجتماعی است که حرمت و کرامت انسانی جامعه، عامدانه به تاراج گذاشته شده است.

آزار جنسی و قتل کودکان خردسال به هیچ وجه قابل توجیه نیست. از این رو جامعه حق دارد و باید از این آسیب اجتماعی که مانند بختک شومی فاجعه می آفریند، کالبد شکافی کند. فریبکاری

است که آمار واقعی از آنچه ثبت گردیده بیشتر است. برابر با رقم وحشتناک دیگری که "پروانه سلحشوری" نماینده مجلس شورای اسلامی به آن اعتراف می کند، ازدواج ۴۲۰ هزار دختر زیر ۱۵ سال در فاصله سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ ثبت قانونی شده است.

این بدان معنی است که در جمهوری اسلامی ایران ایجاد رابطه و آزار جنسی کودکان پدیده ای شرعی و قانونی است. همه دفاتر ثبت احوال کشور نیز این عمل جنایی را بدون هیچ ممانعتی ثبت و قانونی اعلام می کنند. به یک معنی، برابر آمارهای جمهوری اسلامی نزدیک به یک میلیون تجاوز جنسی شرعی و قانونی صورت گرفته است.

قوانین شرعی راه را برای تعرض جنسی به کودکان هموار می کند و قبح آن را از میان بر می دارد. توجیه رابطه جنسی با کودک به اشکال مختلف توسط مراجع دینی یکی از بزرگترین تهدیدهای جنسی برای کودکان است.

حسینی در تحریرالوسیله در بخش نکاح صفحه ۱۲ حدود و انواع رابطه جنسی با کودک شیرخواره را توضیح می دهد. منتظری بهشت را از آن پدر و مادری می داند که دختر خود را قبل از آنکه عادات ماهانه شود، راهی خانه شوهر کرده اند. و دستگاه قضایی کشور راه را برای یک چنین جنایات فجیعی باز می گذارد.

فقدان قوانین بازدارنده آزار

جنسی کودکان

هنگامی که ازدواج و ایجاد رابطه جنسی با کودکان و جاهت قانونی دارد، حمایت از کودک در مقابل تعرض جنسی عملاً معنی خود را از دست می دهد. برای نمونه، در ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است: «هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند، فاعل کشته می شود و مفعول

که نابالغ است، اگر به زور مورد تجاوز قرار نگرفته باشد ۷۴ ضربه شلاق می‌خورد. «عصبات بالغ و نابالغ زمین‌ها را برای کشته شدن کودک که مورد تجاوز قرار گرفته نیز آماده می‌کند. پس‌رکی که فقط پانزده سال دارد بالغ شرعی محسوب می‌شود و اگر مورد تعرض جنسی قرار بگیرد ممکن است جانش را هم از دست بدهد. نه تنها از کودک فریب‌خورده و آسیب دیده حمایتی صورت نمی‌گیرد بلکه مجازات نیز می‌شود. قانون مجازات اسلامی تاکید دارد که گویا کودک با میل نیز خود تن به رابطه جنسی می‌دهند.

در مورد تعرض جنسی ناظم مدرسه به چندین دانش‌آموز، اداره

آموزش و پرورش منطقه با وقاحت کم نظیری اعلام کرد، «برخی از این روابط با تمایل دو طرف صورت گرفته است!» شاکیان و قربانیان «سعید طوسی» نیز به همین روش ساکت و تعدادی از آنان به جرم تشویش اذهان عمومی بازداشت گردیدند.

سازمان بهزیستی در رابطه با امکان خطر تعرض جنسی به کودکان خیابانی و دختران فراری اعلام می‌کند که در کمتر از ۱۲ ساعت کودکان و دختران رها شده در خیابان مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند. هیچ مانع بازدارنده‌ای برای ممانعت از این تعرض عملا وجود ندارد.

آموزش جنسی از مهد

تا مدرسه و دبیرستان متناسب با سن کودکان بشدت ضروری است. باید به کودک آموزش داده شود مادام که در مقابل خواسته یا رفتار غیرعادی از جانب آشنا و غریبه، قرار می‌گیرد، بتواند با جرأت «نه» بگوید و اجازه ندهد آن‌ها به خواسته‌شان برسند. این آموزش متناسب با سن کودک تا حدی می‌تواند به نجات کودک و کاهش آسیب به او کمک کند.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دقیقا علیه آموزشهای مورد نیاز کودک برای ارتقاء دانش و آگاهی‌های متناسب با سن و سال او و صرفا برای مطیع کردن کودک و نوجوان در مقابل آموزه‌های دینی و تعهد به قوانین اسلامی تهیه و اجرا

می‌شود. مرگ آتنا اصلائی ضربه‌ای به کل جامعه است که اجرای عدالت را از زیر بار فریبکاری و ریاکاری شرعی و قانونی در بیاورد. دستگاه قضایی خونریز جمهوری اسلامی، با قوانین قرون وسطایی قصاص و اعدام و بساط انتقام فقط صورت مسئله را پاک می‌کند. متهم اصلی و ردیف اول حکومتی است که قریب ۴ دهه است بزرگترین فاجعه انسانی را با تحمیل فقر و فلاکت و بی حقوقی، با ترویج خشونت و بیرحمی به مردم تحمیل کرده است. این قتل فجیع یک موضوع و آسیب جدی اجتماعی است. این موضوع باید با جمهوری اسلامی حل و فصل شود.

## مریم میرزاخانی، زن و حکومت اسلامی

### بهر روز مهرآبادی



مرگ ناپهنگام مریم میرزاخانی برنده جایزه فیلمز، مهم ترین جایزه در ریاضیات، فقدان بزرگ برای مردم ایران و جامعه ریاضی جهان بود. تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی نیز به این خبر واکنش نشان دادند و مرگ او را تسلیت گفتند. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون در کشورهای مختلف گزارشی را در باره مقام برجسته علمی او منتشر کرده و او را که در بین مردم چندان شناخته شده نبود، معرفی کردند. اما نام مریم میرزاخانی در رسانه های اجتماعی انعکاس خیلی وسیعتری داشت. میلیونها نفر در صفحات فیسبوک، تلگرام، توییتر و ... درباره او نوشتند و درباره زندگی او اظهار نظر کردند.

مطرح شدن نام مریم میرزاخانی در این سطح گسترده، ویژه در ایران، فقط بخاطر این نبود که او یک شخصیت بزرگ علمی و یک ریاضیدان بزرگ و برنده بزرگترین جایزه جهانی ریاضیات و جوایز علمی دیگر بود. مرگ مریم موقعیت زن تحت حاکمیت جمهوری

ظاهر که در کلاس درس حاضر میشد، در ایران مقابل دانشجویان مرد حاضر شود و یا در خیابانهای تهران بدون حجاب قدم بزند. مرگ مریم میرزاخانی گوشه‌هایی از وضعیت زندگی زن ایرانی را در رسانه ها مطرح کرد. مریم که بجرم ازدواج با یک غیر ایرانی، فرزندش از حق شهروندی محروم بود، هیچ ربطی به جمهوری اسلامی ندارد. زنی که حتی پس از مرگش او تحقیر می‌کنند و در رسانه‌هایشان حجاب بر سر او نقاشی می‌کنند، ربطی به جمهوری اسلامی ندارد.

مریم میرزاخانی همانند هزاران تحصیلکرده و دانشمند ایرانی دیگر، ناچار شد فضای نکبت بار جمهوری اسلامی را ترک کند و در کشوری دیگر زندگی کند تا به کار مورد علاقه اش بپردازد. در ایران اما، او میتوانست زنی باشد که بدون اجازه شوهر اجازه کار و حتی اجازه مسافرت نداشته باشد. مریم میرزاخانی با توجه به موقعیت علمی خود و تدریس در یک دانشگاه معتبر، در یک سفر احتمالی به ایران - همانند بسیاری دیگر - می‌توانست هدف باجگیری جمهوری اسلامی قرار گرفته و سالهایی از عمرش را در زندان بگذراند. مریم میرزاخانی اثبات عملی برابری زن و

مرد بر خلاف همه اندیشه‌های عقب افتاده مذهبی و سنتی جمهوری



www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

## آلمان: یک اقتضاح سیاسی!

### همکاری وزارت خانواده و زنان آلمان با جامعه المصطفی و جامعه

#### اسلامی شیعیان

#### گفتگو با مینا احدی



سرنوشتی این حکومت تلاش میکنند، و در شرایطی که زنان ایران این حکومت را در عرصه‌های همچون حجاب اسلامی به شکست کشانده‌اند، در شرایطی که جنبش نقد به اسلام در ایران ریشه دوانده است، دولت آلمان به صرافت کمک بیشتر به تروریسم اسلامی زیر نظر حکومت اسلامی افتاده و اینرا با بیشرمی تمام بعنوان دفاع از دموکراسی به افکار عمومی آلمان میفروشد.

انترناسیونال: شما نامه سرگشاده‌ای به خانم بارلی وزیر زنان نوشته‌اید در نامه تان چه گفته‌اید؟

مینا احدی: در آن نامه مراتب اعتراض شدید خود را به این همکاری اعلام کرده‌ام و از طرف زنان و مردم معترض و ضد حکومت اسلامی به وزیر زنان گفته‌ام که این برنامه با موجی از اعتراض در بین جوانان و مردم ایران روبرو خواهد شد و بهتر است به این همکاری هر چه زودتر پایان داده شود. در پایان نامه ام نوشته‌ام:

من به عنوان یک زن که این جنبش کثیف اسلامی را از روز اول شناخته و در مقابل آن مبارزه کرده‌ام و بعنوان یک شهروند آلمان، از شما و از دولت آلمان میخواهم فوراً در این مورد تجدید نظر کرده و هر نوع همکاری با سازمانهای اسلامی در آلمان و از جمله سازمانهای وابسته به عربستان سعودی و ترکیه و حکومت اسلامی ایران و... را فوراً خاتمه داده و کمک کنید مردم و زنان در این کشورها از حقوق انسانی خود در مقابل این جریان‌های ارتجاعی دفاع کرده و آنها را به عقب نشینی وادار کنید. پیام ما زنان و مردم ایران این است که در کنار مردم قرار بگیریم و نه دشمنان آنها.

کند. تیترا این کنفرانس و یا گروه کاری سه روزه هم‌میز است. م حکومت اسلامی ایران در مقابل عربستان سعودی و شیعه در مقابل سنی!

موسسه المصطفی که در سال ۲۰۱۶ تاسیس شده و زیر لوای کار آموزشی و علمی از موسسات آلمانی بودجه میگیرد، در حقیقت در حال باریکارد ساختن در مقابل پادشاه عربستان سعودی است.

انترناسیونال: چقدر بودجه و با چه عنوانی به این سازمانها از سوی وزارت زنان و خانواده تعلق گرفته است؟

مینا احدی: دولت آلمان و وزارت زنان آن در چهارچوب برنامه‌هایی در دفاع از دموکراسی و فرهنگ مبتنی بر دموکراسی با این دو نهاد وابسته به حکومت اسلامی همراهی میکنند. ۱۸۰۰۰ یورو پول مالیات مردم را به این دو موسسه داده‌اند.

دادن امکانات به وابستگان مساجد قم و مجلس خبرگان حکومت اسلامی یک تف سر بالا برای وزارت زنان آلمان است. این یک بی احترامی به مبارزات مردم ایران است که برای ساختن یک آینده عاری از حکومت اسلامی و آینده‌ای بهتر، روزشماری می‌کنند. این یک دهن کجی به زنانی هست که در بدترین شرایط علیه زن ستیزی حکومت اسلامی مبارزه کرده و حکومت را به بن بست کشانده‌اند. حکومت اسلامی ایران و خمینی رهبر فکری این حکومت، شدیداً ضد زن و ضد انسان ضد حقوق همجنسگرایان و مخالف شدید فرهنگ و اخلاقیات مبتنی بر آزادی و حقوق انسانی بوده‌اند. در شرایطی که در ایران میلیونها جوان با تجربه دردناک اعدام‌صدها نفر منتقد اسلام و حکومت اسلامی و سنگسار زنان و فجایعی از این نوع روبرو هستند و به همین خاطر از حکومت اسلامی منزجر بوده و برای

میکونوس برای همه داستان‌آشنایی است.

امروز اما بدلیل متعدد حکومت اسلامی در تنگنا قرار گرفته‌است و قادر نیست در این جهت موفقیت‌چندانی کسب کند.

انترناسیونال: بنظر می‌رسد سازمانهای اسلامی در آلمان و یا کلا در اروپا به عربستان سعودی، حکومت اسلامی ایران و یا ترکیه وصل هستند. شما چه فکر میکنید؟ آیا رویارویی و رقابت حکومت اسلامی با دولت عربستان در این ماجرا تاثیری دارد؟

مینا احدی: بله وقتی به سازمانهای اسلامی و مساجدی که در هر ده کوره‌ای ساخته‌اند نگاه کنید، می‌بینید که اینها یا به حکومت اسلامی ایران یا عربستان سعودی و یا ترکیه و... وصل هستند. مشکل اینست که دولت آلمان این شبکه‌های مساجد و مرتجعین اسلامی را نماینده مردم مسلمان" و یا ۴ میلیون مسلمان معرفی کرده و با آنها در مورد این ۴ میلیون انسان گفتگو میکند. به مساجد و آخوندهای مرتجع پول میدهد تا این مردم را آنگره کنند و یا کنترل کنند. این مورد اعتراض جلی ما در اروپا و در همه جا است.

حکومت اسلامی ایران بعد از مشاهده فعالیت‌های گسترده سازمانهای اسلامی وابسته به عربستان سعودی و رشد وسیع آنها در اروپا و اعزاز تعداد زیادی از جوانان به مکه برای آموزش اسلام از عربستان سعودی عقب افتاده است. با مشاهده فعالیت‌های سلفی‌ها در اروپا و آلمان و از جمله فعالیت‌های افرادی مانند پیر فوگل و سون لاو و غیره، میخواهد خود را بعنوان نماینده شیعیان در اروپا و مدافع اسلام عقلائی! و مخالف رادیکالیسم معرفی کرده و در عمل جبهه‌ای در مقابل وابستگان به عربستان سعودی در اروپا ایجاد

فرد هم مدتها امام جمعه قم و از مقامات حکومت اسلامی ایران بوده است. او کسی است که چنان مورد اعتماد حکومت اسلامی است که خودشان اعلام کرده‌اند که بدون شرکت در آزمون علمی خبرنگاران از سوی شورای نگهبان در حکومت اسلامی که بر همه چیز نظارت میکند برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۹۴ تأیید شد و از سوی شورای عالی حوزه علمیه قم در تیر ماه ۱۳۹۵ به عنوان رئیس جامعه المصطفی انتخاب و به آلمان فرستاده شده است.

انترناسیونال: هدف جمهوری اسلامی از این اقدامات چیست؟

مینا احدی: سیاست حکومت اسلامی همواره گسترش اسلام شیعه در خارج مرزهای ایران و دخالت در مسائل کشورهای دیگر و همچنین سرباز گیری در خارج از مرزهای ایران بوده و هست. اکنون اوضاع عوض شده است و حکومت اسلامی ایران به یمن وجود اپوزیسیونی که در خارج از کشور آبرویی برای رژیم نگذاشته و همچنین بدلیل نفرت عمومی از جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی نمیتواند همچون داعش فعالیت و نیرو جذب کند. افراطی‌ترین‌ها را سلفی‌ها جذب میکنند و اکنون حکومت اسلامی با کارت اصلاح طلبی و ژست مسخره‌مقابله با رادیکالیسم و دفاع از عقلانیت به میدان آمده و میخواهد سری از سرها در بیاورد.

جمهوری اسلامی ایران از سالهای قبل بدنبال سرباز گیری از جوانان در اروپا بوده است. راهپیمایی القدس را برای هم‌میز هدف راه انداختند. جاسوسی در بین اپوزیسیون و فعالین سیاسی و مخالفین حکومت و منتقدین اسلام را سازمان داده‌اند. ترور سازمان داده‌اند. صدها نفر را در خارج کشور ترور کرده‌اند. ماجرای ترور

اواخر ماه جولای قرار است کنفرانسی با حضور دو نهاد وابسته به حکومت اسلامی ایران "جامعه شیعیان در آلمان" و "جامعه المصطفی" و با همکاری وزارت خانواده و زنان آلمان در شهر برلین برگزار شود. پخش خبر برگزاری کنفرانس با اعتراض در آلمان مواجه است. روزنامه بیلد در این مورد مطلبی با این عنوان نوشت: دولت آلمان به وابستگان حکومت تروریست اسلامی کمک میکند. سازمانهای دیگری نیز با ارسال نامه سرگشاده و یا افشاکاری به این همکاری اعتراض کرده‌اند.

مینا احدی روز ۲۸ جولای قرار است در محل کنفرانس‌های دولتی

در برلین در مورد این مسئله کنفرانس مطبوعاتی برگزار کند. وی همچنین نامه سرگشاده‌ای به کاتارینا بارلی وزیر خانواده و زنان در آلمان ارسال کرده است. در این رابطه گفتگویی داریم با مینا احدی.

انترناسیونال: موضوع این کنفرانس چیست و برگزارکنندگان آن چه کسانی هستند؟

مینا احدی: روزهای ۲۸ تا ۳۰ جولای قرار است در برلین کنفرانسی با موضوعات اسلام و درک از آن و همچنین عقلانیت و رادیکالیسم برگزار می‌شود. بودجه این برنامه توسط وزارت خانواده و زنان و یازنشستگان و جوانان آلمان تأمین شده است و دو سازمان اسلامی وابسته به حکومت اسلامی ایران، آنرا سازمان داده‌اند.

دو سازمان با اسامی "جامعه شیعیان در آلمان" با مسئولیت رضا رمضانی گیلانی عضو مجلس خبرگان حکومت اسلامی و از چهره‌های شاخص حکومت که سالها امام جمعه و از سرکوبگران مردم ایران بوده و "جامعه المصطفی" در برلین که زیر نظر دانشگاه المصطفی در قم فعالیت میکند و ریاست آنرا در آلمان علیرضا اعرافی به عهده دارد. این

## طرح کارورزی، طرح بردگی

### گفتگو با شهلا دانشفر



قرار است چه رانت کلانی نصبی صاحبان سرمایه شود، تا بلکه به اقتصاد به گل نشسته شان تکانی دهند. میخوانند با دستمزد ۳۱۰ هزار تومان که چند بار زیر خط فقر است و کارگران به آن اعتراض دارند و میگویند اگر سبد هزینه ۴ میلیون است، دستمزد ما نیز باید ۴ میلیون باشد، کارگران را به این سطح از بردگی کاری بکشند. این طرحی ربطی به اشتغال ندارد. روشن است که کارگران، نیروی جوان بیکاری که تازه دانشگاه را به اتمام رسانده است، به چنین بردگی ای تن نخواهد داد.

سیما بهاری: اما سابقه این طرح چیست و چه اهدافی را دنبال میکند؟

شهلا دانشفر: طرح کاج، طرح جدیدی در حکومت اسلامی نیست. در پنجمین جلسه شورای عالی اشتغال دولت احمدی نژاد نیز، دستورالعملی تحت عنوان "طرح کارورزی دانش آموزان دانشگاهی" به تصویب رسیده بود که به موجب آن حداکثر ۵۰ درصد حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار به عنوان کمک هزینه کارورزی به واحدهای پذیرنده کارورزی پرداخت می‌شد. و تمامی واحدهای پذیرنده موظف به انعقاد قرارداد با کارورز بودند و کلیه کارورزان طی دوره کارورزی توسط وزارت کار تحت پوشش بیمه حوادث قرار می‌گرفتند. ولی موفق نشدند به آن ادامه دهند. چون انجام آن با اعتراضات بسیاری روبرو شد. بعد هم گفتند چون برخی از کمپانی‌ها پای اجرای آن نیامدند و بودجه آنها فراهم نبود اجرا نشد. دلیلش نیز این است که با توجه به میزان تعهدی که دولت قرار است برای پرداخت هزینه های کارورز متقبل شود، که خود بودجه کلانی هم هست، با مشکل روبرو بودند. به این دلایل اجرای این طرح به بن بست رسید.

۱۵ این طرح، واحدهایی قادر به استفاده از این فرصت - و در واقع از این رانت عظیم خواهند بود - که واجد "شرایط خاص" باشند. و شرایط خاص یعنی یکسری مراکز وابسته به دم و دستگاه خودشان که در واقع، اینها واحدهایی هستند که فی الحال در حال تولید و دارای کارگران بیمه شده توسط کارفرما هستند. استفاده از این دزد بازار نیز خود یکی از موضوعات نزاعهای حکومتیان بر سر این طرح است.

با اجرای این طرح، عملاً پرداخت سهم بیمه صدها هزار کارگر، آنها در یک پروسه چند ساله، از روی دوش کارفرمایان و واحدهای خاص وابسته به حوزه قدرت که بخش اعظم صنایع کشور نیز در اختیارشان است، برداشته خواهد شد و طبیعی است وقتی در چنین ابعاد بزرگی سهم بیمه کارفرمایان عملاً ملغی و هزینه آن بر دوش سازمان تامین اجتماعی و یا حتی بودجه کشور بیافتد، این طرح مقدمه ای میشود بر اضمحلال بیمه کردن کارگران توسط کارفرمایان که خود یکی از حقوق پایه ای کارگران است.

گفتنی است که طرح کارورزی قرار است در بهترین حالت سالانه ۱۵۰ هزار فارغ التحصیل بیکار را در بر بگیرد و اسمش را هم با بیشمیری تمام، "طرح اشتغال" نیروی جوان میگذارند؛ از جمله در حالیکه در آمارهایشان از سونامی بیکاری جوانان سخن میگویند، از اینکه هر سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر فارغ التحصیل وارد بازار کار می‌شوند و از اینکه نزدیک به نیمی از فارغ التحصیلان دانشگاهها بیکار هستند خبر میدهند، به جای تامین این نیروی عظیم میلیونی بیکار، به جای برخورداری آنان از بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی دیگر چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن، بیشمرا نه از "خبرخوش اجرای طرح کارورزی اشتغال جوانان" گزارش میدهند.

همین مختصر اشاراتی که شد نشان میدهد که با اجرای این طرح

دوباره از نیروی کارورزان جدید سود جوید. بنابراین این طرح نه تنها ربطی به اشتغال زدایی ندارد، بلکه جلوی همین حد از استخدام ها را هم میگیرد. بعلاوه اینکه با اجرای این طرح تحت عنوان "تعدیل نیروی کار" موجی از بیکارسازی ها در پی خواهد بود.

به عبارت روشنتر طرح کارورزی طرح اخراجهای بیشتر و به این اعتبار طرحی تفرقه افکنانه است که با چماق بیکاری شرایط برده وارتری بر کل کارگران تحمیل میکند. از جمله کارفرما زور می آید که حتی همان حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر را به کارگر بدهد و این خود عاملی برای انجماد و حتی کاهش سطح دستمزدها و افزایش فشاری های کاری بر کل کارگران خواهد بود. و این حمله ای میشود به کل طبقه کارگر. حمله ای میشود به کل جامعه و حمله ای میشود به این نیروی جوان آماده به کار که وارد بازار کار شده است و قرار است به چنین بردگی ای کشانده شود.

از همین رو میشود تصور کرد که با اجرای این طرح در یک معیار اجتماعی و سراسری چه دزد بازاری برای سرمایه داران خاص شان براه می‌افتد.

خلاصه کلام اینکه طرح کارورزی بر خلاف های و هویی که دولت حول آن به راه انداخته است، به هیچوجه طرحی برای اشتغالزایی و کاستن از دامنه بیکاری نیست، بلکه بیکاری را تشدید میکند. در این طرح ابتدا بحث بر سر استخدام دانش آموزان و اشتغال شان به کار نیست. بلکه بحث به بیکاری کشیدن نیروی آنها برای دوسال و بعد هم رها کردن آنها بدون هیچ حق و حقوقی به دامن جامعه است.

این طرح حتی ربطی به این ندارد که کاری کنند که یکسری کارگاهها که دچار بحران هستند به کار بیفتد و بطور مثال اشتغال ایجاد شود. اقتصادشان بیمارتر از این است که طرحی برای راه اندازی کارخانجات بحران زده داشته باشند. طبق ماده

برخوردار نیستند و هر روز قربانی میگیرند، کارورز نیز مثل همه کارگران باید جانش را کف دستش بگذارد و کار کند. بگذریم که برخورداری از همان حداقل بیمه حوادث نیز لازمه اش عبور از هفت خوان رستم خواهد بود.

در دو سالی که قرار است دولت حق بیمه "کارورز" را بدهد، با او (با مدرک لیسانس، فوق لیسانس و یا دکتر) حتی قرارداد موقت هم بسته نمیشود. در نتیجه بعد از این دو سال کارفرما می تواند در صورت صلاحدیدش به آسانی وی را اخراج کند و هیچگونه تعهدی هم در قبالش نداشته باشد. ضمن اینکه اگر کارورز کوچکترین اعتراضی به این شرایط کاری برده وار داشته باشد، به راحتی از کار اخراج میشود.

طبق تبصره ۱ ماده ۵ طرح کارورزی، هر واحد پذیرنده به ازای سه کارگر بیمه شده شاغل، میتواند یک کارورز را پذیرش کند. ضمن اینکه در آیین نامه اجرائی طرح کارورزی هیچ تبصره و ماده ای نیز وجود ندارد تا کارفرمایان را پس از پایان دوره دو ساله کارورزی، ملزم و متعهد به حفظ کارگران قبلی و عدم اخراج آنان بکند. بنابراین برای کارفرما بسیار سودآور تر است که به جای استخدام کارگر جدید و پرداخت حق بیمه و هزینه های دیگر بابت آن، نیروی ارزان ماهانه ۳۱۰ هزار تومانی کارورزان را به کار گیرد. نتیجه اینکه کارفرما میزان استخدامی هایش را کاهش میدهد. حال در شرایطی که بخش عظیمی از قراردادهای کاری موقت هستند و به قول خودشان ۱۲ میلیون کارگر با قرارداد موقت کار میکنند، کارفرما بخش زیادی از قراردادهای کاری را تمدید نمیکند و برایش بسیار مقرون به صرفه تر است که از نیروی ارزانی که به عنوان کارورز در اختیارش قرار گرفته است، استفاده کند و از آنها بیکاری بکشد. در نتیجه تا جایی که برایش ممکن باشد، میکوشد تا نیرویش را از محل طرح کارورزی تامین کند. بعدا هم بدون هیچ حق و حقوقی در پایان دوسال تعیین شده آنها را رها کرده و

سیما بهاری: شهلا دانشفر قبل از هر چیز لطف کنید جزئیات این طرح را برای ما توضیح دهید؟

طرح کارورزی، طرح استفاده از نیروی جوان بیکار دانش آموزان و تحمیل شرایط برده وار کاری بر آنانست. بر اساس این طرح دولت جوانانی را که با هزار امید تحصیل کرده و به بازار کار میکنند، به شدیدترین شکل به استثمار میکشد و با بیشمیری تمام اسمش را هم میگذارد "خبر خوش اشتغالزایی برای جوانان". توضیحات مختصری که شما در معرفی بحث دادید، نشان میدهد که داستان از چه قرار است و در چه ابعادی در نظر دارند که بردگی کاری در میان این بخش از جامعه را جاری کنند. الان اجرای این طرح در دستور دولت قرار دارد و بنا بر خبرهای خودشان در یک سری از استانها در حال اجرا است. طبق این طرح کارورزان ۴ تا ۶ ماه بکار گرفته میشوند و تا دو سال کارفرما میتواند از آنها کار بکشد. بدون اینکه لازم باشد حق بیمه و یا هیچگونه هزینه دیگری برای آنها بپردازد و همه این هزینه ها را هم دولت از محل صندوق تامین اجتماعی و یا بودجه کشور و در واقع از جیب کارگران میبرد. چه بهشتی بهتر از این برای کارفرمایان. به این معنی که کارفرما تا دوسال بدون هیچگونه تعهدی در قبال پرداخت حق بیمه برای کارورزان با یک سوم میزان حداقل دستمزدها که خود آن نیز چند بار زیر خط فقر است، یعنی با مبلغ ۳۱۰ هزار تومان، از نیروی جوان بیکار تحت عنوان کارورز سود می جوید. این یک بردگی مطلق کاری است.

در این طرح کارورز تحت پوشش همان بیمه سطح بسیار نازل و حداقل تامین اجتماعی هم قرار نمی‌گیرد و یا حتی از همان حداقل های زیر استانداردها قانون ضد کارگری جمهوری اسلامی نیز محروم است. کارورز فقط شامل بیمه حوادث خواهد بود. حال در شرایطی که محیط های کار بدلیل سودجویی های کارفرمایان از هیچگونه امنیتی

سپس با روی کارآمدن دولت روحانی این طرح در آذر ۹۳ به تصویب شورای اشتغال رسید و حالا دولت می‌خواهد با پرداخت یکسوم حداقل دستمزد نیروی کارورز را به بردگی بکشاند.

بدین ترتیب دولت روحانی یکی دیگر از طرح‌های ناتمام دولت احمدی نژاد را دوباره روی میز گذاشت. طرحی که نتیجه اش بی‌حقوقی بیشتر کارگران است و جزئیات را توضیح دادم.

طرح کارورزی چیزی جز طرح به بیگاری کشیدن نیروی جوان آماده به کار و گرفتن چماق بیگاری و بی‌تامینی بر روی سر کل جامعه نیست. اگرچه این طرح سابقه اش به دوره احمدی نژاد برمیگردد، اما اجرای چنین طرح‌هایی در دولت روحانی خصوصاً بعد از برجامشان و هدف قراردادن جذب سرمایه های داخلی و خارجی برای دادن تکانی به اقتصاد به بن بست رسیده شان، جایگاه استراتژیک تری پیدا کرده است. هدفشان از اجرای این طرح همانطور که همیشه اعلام کرده اند، ارزان سازی نیروی کار و ایجاد مشوقه مالی برای سرمایه گذاری صاحبان سرمایه است. همانطور که طرح ضدکارگری "اصلاح قانون کار" را هم با همین هدف دادند و بعد نیز با شکست روبرو شده و مجبور به عقب نشینی شدند.

اجرای طرح کارورزی هزاران میلیارد تومان معافیت بیمه ای به جیب مالکین واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی خاص سرازیر خواهد شد. به این معنی که هزینه های هزاران میلیارد تومانی سهم بیمه کارفرمایان عملاً بر روی دوش سازمان تامین اجتماعی قرار گرفته و از جیب کارگران بیرون کشیده میشود. بدین ترتیب براساس این طرح یک رانت عظیم مالی از جیب کارگران نصیب واحدهای تحت مالکیت نهادهای شبه دولتی و وابسته به حوزه قدرت و خودی هایشان میشود. و دکان دیگری برای دزدی های میلیاردی شان تحت عنوان ایجاد مشوق برای راه افتادن سرمایه گذاری هاست.

خوبست این را هم متذکر بشوم که طرح کارورزی طرح شناخته شده ای در کشورهای سرمایه داری جهان است. اما در ایران، در شرایط

اقتصادی به گل نشسته حکومت اسلامی و بازار دزدی و چپاول و رانت خواری، اجرای آن ابعاد فاجعه بارتری دارد.

بنابراین بطور خلاصه هدف از اجرای این طرح ارزان سازی نیروی کار از طریق به کارگیری نیروی کار با یکسوم دستمزد و برعهده گرفتن هزینه های کارفرما توسط دولت است. هدف آن استفاده از نیروی ارزان جوانان بیگاری، زیر چماق بیگاری است. با اجرای این طرح همانطور که اشاره کردم هزاران میلیارد تومان معافیت بیمه ای به جیب مالکین واحدهای تولیدی و صنعتی و خدماتی "واجد شرایط" میشود. اما این یک طرح سوخته است. همانطور که در دولت احمدی نژاد این طرح به شکست رسید. امروز نیز در فضای پر جنب و جوش اعتراضی جامعه، در فضای کشاکش های حکومتی بر سر دزدی ها و چپاولهایشان سرانجامی جز این نخواهد داشت و میتوان با تعرضی سراسری آنرا به عقب زد.

سیما بهاری: بعضاً استدلال میشود که در شرایطی که بیگاری بیداد میکنند، خیلی از جوانان بیگاری هستند و فکر میکنم خیلی از مردم در خانه و در خانواده شان دو تا سه و بعضاً بیشتر، جوان لیسانس و فوق لیسانس بیگاری دارند، جوانانی که کار و تامینی ندارند، در این شرایط میگویند خوب طرح کارورزی بد هم نیست. حداقل جوانان میتوانند از این طریق پول توجیبی خودشان را داشته باشند و بهتر از هیچ است. پاسخ شما به این موضوع چیست؟

شهلا دانشفر: متأسفانه جمهوری اسلامی آنچنان فشاری بر زندگی و معیشت مردم وارد کرده که چنین انتخاب هایی را مقابل مردم میگنارد. کسی که بیگاری است نه از بیمه بیگاری برخوردار است. نه از تسهیلات لازم برای تامین مسکن برخوردار است. و نه از بیمه های اجتماعی مثل درمان رایگان و یا تحصیل رایگان برای فرزندان و اساساً این بی‌تامینی معضل کل جامعه است. ممکن است عده ای زیر فشار بی‌تامینی مطلق بروند و به عنوان کارورز ثبت نام کنند و به آن تن بدهند. تبلیغاتی از این دست که اشاره کردید نیز هست. و زیر فشار بیگاری و همه این محرومیت ها

تلاش میکنند نیروی جوان بیگاری را در برابر انتخاب این بردگی قرار دهند. اتفاقاً جمهوری اسلامی نیز روی همین فشارها و اجبارها، سرمایه گذاری کرده است. و در تبلیغاتشان مرتباً دارند از استقبال کنندگان از طرح خبر میدهند، تا بازار گرمی کنند. ولی فضای اعتراضی آنقدر بالاست که همین تبلیغات هم فروکش کرده است. و فضای غالب امروز اعتراض است. به عبارت روشنتر جمهوری اسلامی طرحهای تعرضی بسیاری در آستین دارد و بر سرش تبلیغات میکند. ولی جنبش کارگری و مردم معترض در برابرش ایستاده اند و جنگی هر روزه در برابر این تعرضات جاریست. همین الان با کارزاری وسیعی علیه طرح کارورزی روبرویم. دانشجویان و کارگران علیه این طرح دارند مبارزه میکنند. همان طور که اشاره کردم قبلاً هم در دوره احمدی نژاد این طرح جلو آمد. ولی وقتی در اجرائش سرشان به سنگ خورد، گفتند به دلیل عدم هماهنگی شرکتها و بودجه مالی اجرائی نشد. در حالیکه حقیقت اصلی اعتراضی بود که علیه آن به پا شد. از جمله هر جا هم که کسانی وارد این طرح شدند. بعد از مدتی کار کردن به نیروی اعتراضی تبدیل شدند که درد سر ساز کارفرمایان شد. به این معنا که دانش آموزان کارکنان دانشگاه را تمام کرده اند. کارگران ساکت و بی ادعایی نیستند که به این بردگی تن دهند. همان آغاز کار کشاکش شروع میشود و در فضایی که محیط های کار پر از اعتراض است، کنترل اوضاع از دستشان خارج میشود و این به نفع سرمایه داران نیست.

بنابراین مهم است که تمام جوانب این طرح را رو به کارگران، رو به جامعه باز کنیم. پوچی تبلیغاتی که بر سر این طرح به عنوان طرح اشتغال انجام میگردد و همین تبلیغاتی که به آن اشاره کردید و اهدافی که از این کار دنبال میکنند را نشان دهیم و نقد کنیم و بیشترین اتحاد مبارزاتی را علیه این طرح شکل دهیم. در عین حال باید نشان دهیم که اعتراض علیه این طرح فقط امر کارگران، دانشجویان و دانش آموزان کارکنان جوان نیست بلکه باید امر کل جامعه باشد. باید بخش های مختلف کارگری در مقابلش بایستند

و این طرح را کنار بزنند. بعلاوه طرح کارورزی قرار است سالانه ۱۵۰ هزار نفر را در بر گیرد. بنابراین حتی اگر طرحشان را هم اجرا کنند، هنوز طرح اشتغال فارغ دادم که قرار است با این طرح چه بازاری از بردگی کاری به راه اندازند، بدون اینکه استخدامی در کار باشد و این طبعاً طرح اشتغال نیست بلکه طرح بردگی است. پاسخ ما کارگران به چنین تعرضی و به معضل میلیونی بیگاری، جنبش علیه بیگاری با خواست یا کار یا بیمه بیگاری است.

سیما بهاری: شما گفتید کارزار وسیعی علیه طرح کارورزی در جریان است. زمان احمدی نژاد نیز این طرح با اعتراضات کارگری متوقف ماند. حالا دوباره آنرا جلو آورده و دارند اجرائی میکنند و برای اجرائش میخواهند بسنجند و ببینند مزه دهن مردم چیست و مردم چه میگویند و خلاصه اینکه دارند فضا سازی میکنند. یک تعرض میتواند از جانب دانشجویان و جوانان بیگاری باشد و یک تعرض از جانب کارگران، آیا شاهد چنین تعرضی علیه این طرح هستیم؟ کلاً امروز عکس العمل‌ها در برابر این طرح چیست؟ شهلا دانشفر: طرح کارورزی تا همین حالا اعتراضات بسیاری در میان کارگران و دانشجویان دامن زده است. در عین حال خود یک موضوع مهم نزاع و کشاکش در درون حکومت است. بطوریکه حتی تشکل های دست ساز حکومتی نظیر کانون عالی شوراهای اسلامی نیز نسبت به عواقب اجتماعی آن هشدار داده اند.

همانطور که اشاره شد تبلیغات زیادی حول و حوش این طرح به عنوان طرح اشتغال جوانان به راه انداختند، اما بخاطر اعتراضات وسیعی که صورت گرفته است، حتی این تبلیغات هم فروکش کرده است. جوانان میدانند که با ۳۱۰ هزار تومان حتی پول توجیبی آنها هم در نمی آید. این جوانان مسکن میخواهند. میخواهند ازدواج کنند و تشکیل خانواده دهند. میخواهند زندگی ای انسانی داشته باشند، روشن است که به این طرح و طرحهایی از این دست تن نمیدهند. در برابر این طرح امروز

دانشجویان و کارگران را در کنار هم میبینیم. همان دانشجویانی که بیانیه فراگیرشان را دادند، امروز در اعتراض به این طرح فعالند. علیه آن طوفان تویتری به راه انداخته اند. همچنین تشکلهای مختلف کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران علیه این طرح بیانیه دادند و کارگران را به مبارزه متحد سراسری علیه آن فراخوان داده اند. و یا می بینید که رهبران کارگری علیه این طرح صحبت میکنند، فراخوان میدهند و اعتراضشان را اعلام میکنند و همین نکاتی که ما اینجا در موردش بحث میکنیم را ما داریم از زبان کارگران می شنویم. بطور میدانی نیز کارورزی که زیر همان فشارها و یا تحت تاثیر همان تبلیغات وارد محیط کار شده اند، در اولین برخوردی که پیش می آید با کارفرما درگیر میشوند. و خود این به اعتراضی علیه اجراها تبدیل میشود. بنابراین چیزی که ما امروز با آن مواجهیم اعتراض است. هم از جانب کارگران، هم دانشجویان، هم دانش آموزان. امروز بیش از هر وقتی دانشجو و کارگر را علیه تعرضات جمهوری اسلامی، علیه بیگاری، این سونامی ای که مثل بختک روی سر همه خانواده ها سنگینی میکند، در اعتراضی متحد کنار هم می بینیم.

سیما بهاری: چگونه میشود این تعرض حکومت اسلامی به کارگران و کل جامعه را عقب زد و تا چه حد امکان عقب زدن آن وجود دارد؟ آیا میشود این امیدواری را داشت که این بار نیز این طرح با اعتراضات وسیع کارگران، دانشجویان و مردم معترض عقب زده شود؟

شهلا دانشفر: همانطور که این طرح در دوره احمدی نژاد کنار زده شد، در دوره روحانی هم ممکن است و اتفاقاً اکنون فضای کنار زدنش بیشتر هست. بدلیل اینکه فضای جنبش اعتراضی کارگری و کل جامعه به مراتب وسیعتر، گسترده تر، تعرضی تر، اجتماعی تر و همه جانبه تر است. می بینیم که این اعتراضات کیفیت جدید و بالاتری بخود گرفته اند. از جمله ما شاهد اینیم که اعتصابات سراسری دارد جرقه هایش زده میشود و با نمونه هایی چون اعتصابات سراسری کارگران مخابرات با خواست

قراردادهای مستقیم کاری و لغو کار پیمانی روبروییم. بعلاوه همانطور که کارگران توانستند طرح ارتجاعی 'اصلاح قانون کار' را عقب بزنند، این طرح را هم میتوانند کنار بزنند. مساله این است که ما باید قدرت خودمان را ببینیم و با اتکاء به این قدرت، با اتکاء به پیشروی هایی که داشتیم، با اتکاء به ابعاد گسترده اعتراضات کارگری در محیط های کارگری و در سطح جامعه، با اتکاء به شرایطی که کارگر، معلم و کل جامعه هر روز بیشتر با خواستهایش جلو می آید و حق و حقوقشان را طلب میکنند، و خلاصه اینکه با اتکاء به توازن قوای سیاسی موجود صف اعتراضات را سازمان دهیم و بدانیم که این طرح، طرح بی فرجامی است. بدانیم این طرح در جاهایی هم که به اجرا در بیاید مسائل دیگری را با خود به همراه خواهد آورد و به یک اعتراض وسیع در محیط های کارگری تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر پیش کشیده شدن این طرح زمینه های جلو آوردن خواستهایی چون حق داشتن کار، حق بیمه بیکاری برای همه افراد بیکار اعم از زن و مرد، بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و امکانات زیستی را فراهم تر میکند. بویژه وقتی دولت از ایجاد اشتغال برای نیروی جوان بیکار حرف میزند، خودش این توپ را وسط انداخته است. در مقابل نیروی جوان بیکاری که نیروی میلیونی است، میتوان با خواستهایش جلو بیاید و بگوید بسیار خوب من کار میخواهم. من تامین میخواهم. من زندگی میخواهم. یعنی این موضوع فرصتی است که جمعیت عظیم بیکار جوان به جلو ببرد و حق و حقوقش را طلب کند. بنابراین همانطور که در اعتراض به طرح ضد کارگری 'اصلاح قانون کار' تاکید داشتیم که این تعرض را باید با تعرض و جلو آوردن خواستهای فوری حداقلی خودمان، آنهم در جامعیتش جلو بیاوریم و دورش متحد شویم. در اعتراض به طرح کارورزی نیز کارگر و نیروی جوان بیکار باید با تعرض جلو بیاید و خواستهای پایه ای خود را طلب کند. بر خواست بیمه بیکاری برای همه و حق داشتن یک زندگی انسانی بگوید.

بیکاری یک درد اجتماعی است

و زندگی و معیشت بخش عظیمی از جامعه را به تباهی کشیده است. به این معضل باید در همین ابعاد اجتماعی و فراگیرش نگاه کرد و در تقابل با آن جنبشی با همین ابعاد به راه انداخت.

همان طور که اشاره کردید در بسیاری از خانواده ها یک تا چند نفر بیکارند. اوضاع آنچنان وخیم شده است که خیلی اوقات می بینید که چند خانواده حول یک شاغل جمع شده و زندگی میکنند. خصوصاً بیکاری در میان زنان که بنا بر آمارهایشان دوبرابر مردان است. یا بیکاری در میان جوانان که به عنوان یک بحران و سونامی از آن سخن میگویند. این نیروی بیکاری، خانواده های کارگری بسیاری را در بر میگیرد و میلیونی است. آنهم در شرایطی که هر روزه موج موج کارگران از کار بیکار میشوند و به صف نیروی بیکار میپیوندند. بنابراین پاسخ بیکاری میلیونی در جامعه و افزایش هر روزه شمار آن، جنبشی سراسری علیه بیکاری است. جنبشی که همه بیکاران و خانواده هایشان، کارگرانی که از کار بیکار میشوند و خانواده هایشان را در بر بگیرد و برای آن باید کل جامعه را بسیج کرد.

این صف عظیم میلیونی بیکاری باید وسیعاً علیه بیکاری و برای داشتن یک زندگی انسانی به میدان بیایند. نیرویی که نه تنها میتواند طرح کارورزی و تعرضاتی از این دست را عقب زند، بلکه می تواند حق و حقوق خود را بگیرد. در چنین ابعادی میشود علیه تعرضی چون طرح کارورزی نیرو بسیج کرد و در عین حال اعتراض علیه بیکاری را به یک عرصه مهم نبرد با رژیم اسلامی تبدیل کرد. پاسخ حملات رژیم اسلامی به زندگی و معیشتمان را باید با تعرض بدهیم. اعلام کنیم که ما خواستار یک زندگی شایسته انسان هستیم و به این بردگی تن نمی دهیم. با شعار یا کار یا بیمه بیکاری جلو بیاییم. خصوصاً در اقتصاد به بن بست رسیده حکومت اسلامی و تشدید هر روزه حکومتیان بر سر رانت خوارهای و دزدهایشان، ما در موقعیت بسیار قدرتمند تری برای مقابله با تعرضاتشان هستیم. خلاصه حرف من اینست که کارگران به طرح بیکاری 'کارورزی' تن نمیدهند و نباید به این بردگی تن

داد. نباید اجازه داد که چنین تعرضی به زندگی و معیشتمان صورت گیرد. ما باید قدرت و نیروی خود را ببینیم. توازن قوای سیاسی جامعه را که هر روز بیشتر به نفع مبارزات ما تغییر میکند ببینیم، و با تمام قدرت طرح کارورزی، این طرح تعرض به کارگران و کل جامعه را عقب بزنیم. واقعیت اینست که امروز ما با جامعه ای روبرویم که جنبش های اجتماعی در اشکال مختلف دارند سازمان می یابند و جلو می آیند. در متن این شرایط زمینه برای سازماندهی جنبشی اجتماعی علیه بیکاری بیش از پیش فراهم است.

به نظر من همانطور که کارگر میتواند جمعانش را شکل دهد و هزاران نفر را حول خواستهای معینی جمع میشوند. همانطور که معلم، بازنشسته، پرستار میتواند در چنین ابعادی جمع شود و خواستهایش را اعلام کند، جوانان بیکار هم میتوانند سازمان یافته و قدرتمند جلو بیایند و جنبشی عظیم علیه بیکاری به راه بیندازند. می توانند تجمعات خود را بر پا کنند، گفتمان و کارزار علیه بیکاری به راه بیندازند، فراخوان به اعتراض دهند، گروه های مبارزاتی خود در مدیای اجتماعی را شکل دهند، خواستهای خود را روشن و شفاف اعلام کنند، جامعه را به حمایت از خود بکشاند، تشکل های خود را ایجاد کنند و اعلام فعالیت کنند. این جنبشی است که بطور واقعی جوانان و خصوصاً زنان جوان نیروی اصلی اش را تشکیل میدهند. باید صف مبارزه آنرا سازمان داد و حول خواستهای مشترکی متحد کرد. و این دست جوانان چپ و رادیکال را میبوسد که پرچمدار چنین مبارزه ای باشند و آنرا تدارک ببینند. باید دست بکار شویم. بنابراین اگر در چنین ابعادی اعتراضات را سازمان دهیم، با خانواده ها و با همه نیرویمان جلو

بیاییم نه تنها این طرح را میتوانیم به شکست برسانیم، بلکه میتوانیم دور جدیدی از اعتراض و مبارزه در سطح جامعه را شکل دهیم.

سیما بهاری: خوست در آخر جمع بندی ای از این بحث داشته باشیم و اگر همچنین تاکیداتی دیگری دارید میتوانید از این فرصت آخر برنامه استفاده کنید؟

شهلا دانشفر: طرح کارورزی در عین حال از موضوعات نزاغهای درون حکومت نیز هست. چرا که اعتراضات در جامعه همیشه یک عامل تشدید نزاغهای درون حکومت بوده است. حتی این طرح صدای اعتراض شوراها را اسلامی، این تشکلهای دست ساز حکومتی را بلند کرده است. آنها سعی میکنند اعتراضات کارگران علیه طرح کارورزی را به خواست اجرایی کردن فصل پنجم قانون کار (بحث اشتغال و آموزش) محدود کنند. چون نمیخواهند این اعتراضات به چنین سطح وسیع اجتماعی که اینجا در موردش بحث کردیم، کشیده شود. چون اینها متوجه اوضاع هستند و میخواهند مثل همیشه اعتراضات را در چهارچوب قانون کار ضد کارگری حکومت مهار کنند. بنابراین نباید بگذاریم مبارزات ما علیه تعرضات حکومت به دنبال این جناح و آن جناح حکومتی و به قانون کار اسلامی اش کشیده شود. باید آنها را نقد و افشاء کنیم، اجازه ندهیم در صفوف مبارزاتمان تفرقه ایجاد شود و مثل مانع آنها را کنار بزنیم. طبعاً هر چه خواستهایمان روشن تر، شفافتر و صریح تر بیان شود، و نیز هر چه مبارزاتمان سازمان یافته تر باشد و تشکلهایمان را ایجاد کنیم، میتوانیم قدرتمند تر این تعرضات را عقب بزنیم.

یک گام مهم در کارزار علیه بیکاری، متشکل شدن حول خواستهای روشن و سراسری است.

بیمه بیکاری مکفی و امروز در گام اول رقیمی بالای خط فقر، یعنی بالای ۴۰۰ هزار تومان، حق همه افراد آماده به کار بالای ۱۸ سال اعم از زن و مرد است و تا زمانیکه این افراد بیکارند و اشتغالی پیدا نکرده اند، برخورداری از بیمه های اجتماعی چون درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن به حق مسلم مردم، خواستهای مهمی است که میتوان حول آن گفتمان به راه انداخت و نیرو گرد آورد.

با ابتکارات مختلف نیروی عظیم بیکاری را گرد آوریم و متشکل کنیم. با تشکیل ان جی او ها و کانونهایی اعتراضی، میتوان نیروی عظیم معترض اجتماعی علیه بیکاری را سازمان داده و به حرکت درآوریم. میتوان در مدیای اجتماعی و از جمله تشکیل گروه های اعتراضی ویژه علیه بیکاری در گروه های تلگرام و به راه انداختن گفتمان بر سر این موضوع حول خواستهای فوری خود نیرو جمع کنیم و اعتراض سازمان دهیم. میتوانیم طومارهای اعتراضی علیه بیکاری به راه بیندازیم که شعار آن یا کار یا بیمه بیکاری باشد و در این طومارها اولتیماتوم دهیم و خواستار پاسخگویی شویم. میتوانیم این طومارها را در تمام محلات و در گروه های تلگرام و در همه جا به امضا بگذاریم و حول آن نیرو گرد آوریم و اعتراض شکل دهیم. میتوانیم در هر شهر با تبلیغات وسیع حول این مساله زمینه را برای حمایت اجتماعی از تجمعات اعتراضی علیه بیکاری فراهم کنیم. بر پایایی چنین اعتراضاتی در فضای پر جنب و جوش اعتراضی کارگری و کل جامعه ممکن و عملی است. ما باید طرح کارورزی را به شکست بکشانیم و ما میتوانیم این کار را بکنیم.

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی این شماره: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

## کارگران در هفته ای که گذشت

### شهلا دانشفر



ما بیش از پیش بر یک زندگی شرافتمندانه برای همه از جمله معلمان و همچنین آموزش باکیفیت و برابر و فارغ از مناسبات پولی تاکید داریم و در این مسیر از تمام ظرفیت های مدنی و قانونی و برحق خود برای تحقق مطالبات و برداشته شدن نگاه امنیتی از فعالیت صنفی و آزادی معلمان دریند به خصوص همکار دریندمان، محسن عمرانی استفاده خواهیم کرد."

محسن عمرانی از اردیبهشت تا کنون در زندان بوشهر به سر میبرد. معلمان یک بخش معترض جامعه هستند. در میان آنها معلمان شاغل آزاد با قرارداد موقت و معلمان حق التدریس در یک ماهه اخیر در اعتراض به تعویق پرداخت حقوقها و با خواست تعیین تکلیف وضعیت استخدامی شان تجمعات اعتراضی متعددی داشته اند. از جمله در هفته گذشته در بیست و هفت تیرماه معلمان حق التدریس مشهد تجمع داشتند. فشار این اعتراضات مجلس را هم به عکس العمل واداشته است. بطوریکه چهارده نماینده مجلس در ارتباط با عدم پرداخت حق التدریس معلمان به وزیر آموزش و پرورش تذکر دادند.

معلمان در اعتراضات چند ساله خود با شعارهایی چون؛ خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، بیمه کارآمد، درمان رایگان است، تحصیل رایگان برای همه کودکان، استخدام رسمی معلمان قراردادی و پیمانی، لغو مدارس خصوصی، و اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی، صدای اعتراض کل جامعه بوده اند. یک خواست فوری معلمان آزادی فوری و بدون قید و شرط محسن عمرانی معلم زندانی در بوشهر است. از خواستهای معلمان وسیع حمایت کنیم.

تجمع بازنشستگان صنعت فولاد کشور مقابل ساختمان صندوق فولاد در تهران

با حقوق حداقلی و معوق محروم شوند و کسی مانع رسیدن آنها به حقوقشان شود که خود از دو محل حقوق میگیرند!!!!؟ هنوز حقوق اردیبهشت شاغلین این شرکت پرداخت نشده و کارگران تا سه شنبه به کارفرما درخواست پرداخت حقوق خود مهلت داده اند."

اعتراضات پی در پی کارگران نیشکر هفت تپه آنچنان انعکاسی پیدا کرده است که فدراسیون جهانی کارگران آی یو اف ( فدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگران غذایی، کشاورزی و...) کارزاری در حمایت از این کارگران و خواستهایشان اعلام کرده اند. انعکاس اعتراضات کارگری در چنین ابعادی در سطح جهانی و جلب حمایت سازمانهای کارگری جهانی یک پیشروی مهم در جنبش کارگری است. در بخشی از طومار اعتراضی کارزار آی یو اف چنین آمده است: " آی یو اف از خواسته کارگران هفت تپه برای پرداخت تمامی دستمزدهای عقب افتاده، مزایا و بر رسمیت شناختن سندیکا بعنوان نماینده واقعی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و برگرداندن شرکت نیشکر هفت تپه به بخش دولتی حمایت می کند." از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه وسیع حمایت کنیم.

احکام امنیتی کارگران، معلمان و تمامی فعالین اجتماعی باید لغو شود

بیش از ۲۰۰ معلم و فعالین اجتماعی خواستار آزادی محسن عمرانی معلم زندانی شده و با امضای بیانیه ای حمایتی بر ادامه مسیر فعالیت های اعتراضی شان تاکید نمودند. پتی شن معلمان در حمایت از محسن عمرانی را وسیع امضا کنیم و به این کارزار بپیوندیم. در بخش هایی از این بیانیه چنین آمده است:

"... ما امضاکنندگان این بیانیه به عنوان جمعی از فعالان صنفی اعلام می کنیم زندانی کردن امثال محسن عمرانی در اراده ای ما برای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی خللی ایجاد نخواهد کرد و

اعتراضات کارگری همچنان گسترده به پیش میرود. تجمع و اعتراض هر روزه کارگران در این کارخانه و در آن کارخانه و اولتیماتوم دادن به اینکه اگر حکمان را ندهید در اشکالی گسترده تر و با خانواده هایمان به میدان خواهیم آمد، فضای تعرضی تر این اعتراضات، از جمله شکستن دوربین های مدار بسته نصب شده برای کنترل کارگران و بستن درب به روی مدیران زورگو که پول کارگران را بالا کشیده اند، بروز اعتراضات کارگری در اشکالی اجتماعی تر و سیاسی تر چون راهپیمایی در وسط شهر و حضور هر روز بیشتر خانواده ها در این اعتراضات و زدن جرقه اعتصاب سراسری، این ابزار قدرت کارگران همه و همه فضای اعتراضات کارگری در هفته های اخیر بوده است. در این نوشته به چند نمونه مهم از این اعتراضات در روزهای اخیرنگاهی می اندازیم.

ادامه اعتراضات کارگران شاغل و بازنشسته هفت تپه صبح روز ۲۸ تیرماه؛ کارگران بازنشسته و شاغل شرکت نیشکر هفت تپه بازم دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشسته های اسفند ماه ۹۵ بخاطر پرداخت نشدن ۴ درصد تمام ۳۴۱ نفرشان و کارگران شاغل در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه دستمزد خود تجمع کردند. کارگران میگویند دیگر اعتمادی به وعده های کارفرما ندارند و تا وقتی خواستهایشان اجرایی نشود به اعتراضاتشان ادامه میدهند.

بخشی از بیانیه این کارگران را که بدنبال تجمع روز ۲۷ تیر و در اعتراض به بدقولی های مدیریت داده اند را در زیر میخوانید: " موقعی که کارگران به دفاع از حقوق حداقلی یک میلیونی معوق و مزایای برحق خود به ناچار اقدام به تجمع اعتراضی میکنند، این موضوع را اغتشاش دانسته و برخلاف قانون مانع ورود این افراد به شرکت میشود. چرا وطبق چه قانونی کارگران باید از داشتن حتی یک شغل

مستمری های چند بار زیر خط فقر و محرومیت از هر گونه تأمین چون درمان رایگان، تحصیل رایگان برای فرزندان، تسهیلات لازم برای تأمین مسکن معضل جمعیت عظیم بازنشستگان در سطح کشور است. اینها معضلات اساسی تمامی کارگران، معلمان، پرستاران و بخش عظیمی از مردم است.

زیر فشار حقوقهای چند بار زیر خط فقر و بی تأمین مطلق، هم اکنون بسیاری از بازنشستگان علیرغم وضعیت جسمانی بد و کهنوت سن ناگزیر شده اند که با قراردادهای موقت، و با دستمزدهای بسیار پایین و بدون هیچ حق و حقوقی به اشتغال مجدد تن دهند. هر ماهه و طی سالها کار از حقوق ماهانه آنها مبلغی بابت حق بیمه و مستمری بازنشستگی کسر شده است و این وضع زندگی امروز

روز ۲۴ تیر گروهی از کارگران بازنشسته صنعت فولاد از اقصی نقاط کشور با سفر به تهران برای چندمین بار در شش ماه گذشته مقابل ساختمان دفتر مرکزی صندوق فولاد دست به تجمع اعتراضی زدند. به گفته کارگران از سال ۹۱ بخشی از مطالبات بازنشستگی که مربوط به اجرا و پرداخت مجدد احکام معلق شده حق سرپرستی و حق سختی کار می شود، پرداخت نشده است. این تجمع به نمایندگی از طرف ۸۶ هزار بازنشسته صنایع فولاد صورت گرفت و یک اهمیت آن در سراسری بودن آنست. بازنشستگان صنعت فولاد همواره نقش پیشروی در اعتراضات بازنشستگان در سطح جامعه در اعتراض به زندگی زیر خط فقر و سیاست های ریاضت اقتصادی حکومت داشته اند.





آناست و بنا به گزارشات دولتی بیش از ۹۰ درصد آنها در فقر به سر می‌برند. بعلاوه امروز حتی همین چترغاز مستمیری را هم به موقع پرداخت نمیکنند. بازنشستگان نه تنها از درمان رایگان، بلکه حتی از همان حداقل امکانات درمانی نیز محرومند. با وجود اینهمه بی‌تأمینی اخیرا مجلس اسلامی با بیشرمی تمام طرح یک فوریتی 'اصلاح قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان' را به تصویب رسانده است. تجمع اعتراضی هزاران نفره بازنشستگان، اعلام تشکل سراسری شان در اعتراض به وضعیت بشدت نابسامان زندگی ای که بعد از سالها کار بر آنها تحمیل شده است، پاسخ گستاخی حکومت و مجلس

اسلامی است. همانطور که در اسفند ماه سال ۹۵ هزاران بازنشسته از بخش های مختلف جامعه در مقابل مجلس تجمع کردند و خواسته‌هایشان را فریاد زدند، امروز نیز باید به تدارک اعتراضی گسترده و سراسری رفت.

پرستارانی با حقوق ۵۰۰ هزار تومانی و بدون بیمه

محمد شریفی‌مقدم دبیر خانه پرستار، این تشکل دولتی پرستاران از حقوق های نازل پرستاران، محرومیت آنها از حق بیمه و استخدامهای موقت خبر میدهد. درعین حال یکی از موضوعات اعتراضات پرستاران پیاده کردن طرح تربیت پرستاران بیمارستانی است. بنا بر خبرها قرار است وزارت

است. بحث بر سر برپایی تجمعات اعتراضی و خواست لغو فوری این طرح تعرضی به کل پرستاران است. از جمله روز ۲۲ تیرجمعی از دانشجویان رشته پرستاری استان زنجان با تجمع در مقابل درب ستاد دانشگاه علوم پزشکی استان کردند. موضوعات دیگر اعتراض پرستاران در این حرکت اعتراضی عبارت بودند از اعتراض به تبعیض در پرداختها، عدم پرداخت هشت ماه حقوق آنها، در نظر نگرفتن ساعات بهروری در شیفت‌های موظف بوده است. در ۲۷ تیر ماه نیز پرستاران بیمارستان کوثر سمنان سفر وزیر بهداشت به این شهر را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده و خواستار

بهداشت امسال برای نخستین بار این طرح را در پایتخت بیمارستان دولتی و خصوصی تهران اجرا کند. یعنی حدود بیش از ۱۳۰۰ پرستار بدون تحصیلات پرستاری و پس از انتخاب رشته در دفترچه کنکور جذب بیمارستان‌ها خواهند شد. به گفته پرستاران این طرح هم سلامت مردم و جامعه را در معرض فاجعه قرار میدهد و هم فشار میشود بر پرستاران شاغل و با قرار گرفتن چماق اخراج بر روی سر آنها شرایط دشوارتری را با دستمزدهای نازل بر این بخش مهم کارکنان خدمات درمانی تحمیل میشود. در برابر این طرح زمزمه‌های اعتراض بالا گرفته است. بحث بر سر انتشار طومار اعتراضی و جلب حمایت جامعه

لغو طرح پرستار بیمارستانی و ۱۱ ماه دستمزد معوقه خود شدند. فشار سنگین کاری بر روی پرستاران، ساعات طولانی شیفت های کار و کمبود پرستار کافی در بیمارستانها، اضافه کاری های اجباری، سطح پایین استانداردهای بهداشتی بیمارستانها، دستمزدهای ناچیز و قراردادهای موقت و پیمانی از جمله معضلات پرستاران است که بارها نسبت به آن اعتراض کرده اند. خواسته‌های پرستاران مستقیما به سطح استاندارد درمان در جامعه مربوط است و باید با وسیعترین حمایتها از جانب مردم پاسخ گیرد.

## تراپ مهمان نفرت انگیز پاریس!

ناصر اصغری



واقعۀ عظیم تاریخی، دستاوردهای آن را به ما یادآوری کند و انقلاب دیگری را برای برچیدن بساط انگلی لوی های زمان حاضر، در دستور بگذارد. چنین انقلابی فقط یک انقلاب سوسیالیستی می تواند باشد.

گویتین می‌رفت. دعوت از ترامپ، که مظهر ارتجاع و تبعیض و همه آن چیزهایی است که انقلاب فرانسه بر علیه آن بوقوع پیوست، باید بر خشم توده‌های متتفر و منزجر از وضع موجود بیافزاید و یک بار دیگر در سالگرد آن

بزنند. دعوت از این اعجوبه، حتی اگر عمدی هم نباشد، حکایت این دوره و زمانه را بخوبی منعکس می کند. اگر این 'مهمان افتخاری' اگر در سال ۱۷۸۹ زندگی و حکومت می کرد، گردنش قبل از خود لوئی شانزدهم و ماری آنتونیت هم زیر

۳۱ سال بعد، هگل، که جایگاه خاصی در تاریخ ترقی خواهی دارد، در ۱۴ ژوئیه ۱۸۲۰، در بحبوحه تسلط ارتجاع و تدارک پلیس برای حمله و سرکوب هر تکان و حرکتی که پادی از انقلاب فرانسه بکند، رفقایش را جمع کرد و گرانترین شامپاین زمان خود را سفارش داد.

کسی نمی‌دانست هگل به چه مناسبتی مهمانی داده است. گیلاسها که پر شدند، هگل گفت: 'گیلاسها را به افتخار این روز عظیم، امروز روز ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۷ است و به افتخار و به سلامتی همه انقلابیونی که به حکومت لوئی شانزدهم و کل دم و دستگاهی که نمادش زندان نفرت انگیز باستیل بود، باید گیلاسها را بالا برد و شامپاین نوشید.

اما در کاخ ریاست جمهوری فرانسه، مهمان افتخاری روز باستیل دیگر، دونالد ترامپ نبود! طنز تلخی که حکایت از حال و روز زمانه ما دارد، این است که به جای دعوت از تامس پین‌های زمانه و بابوف و رویسپیر و سن جست و لافایت و ماراتفهای دوران حاضر، از لوئی شانزدهم و ماری آنتونیت این عصر دعوت می کنند که به شکست و بی حقوقی انسان در این دنیا پوزخند

روز حمله به قلعه باستیل، "روز باستیل" و روز ملی فرانسه نام گرفته است. این روز در تاریخ جایگاه برجسته‌ای دارد.

انقلاب فرانسه، که تاریخ شروع آن را ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹، روز حمله به قلعه نفرت انگیز باستیل می دانند، یکی از مهمترین وقایع تاریخ بشری است. قلعه باستیل نماد حکومت لوئی شانزدهم بود که آخرین پادشاه "رژیم پیشین" (Ancien Regime) بود. حمله به این نماد توسط مردمی که دیگر حکومت شاه و کلیسای کاتولیک نمی‌خواستند و کمرشان زیر بار مالیاتهای متعدد برای مخارج عیش و نوش کاخ نشینان می‌شکست، به تمامی توضیح نفرت توده‌های انقلابی از آن بساط است. انقلاب فرانسه، اولین انقلابی بود که نگاه انسان به خود را بعنوان کسی که باید حقوقی داشته باشد تغییر داد، و برای به کرسی نشاندن این تصور از خود، آموزه‌های روشنفکران عصر روشنگری، کسانی چون روسو و ولتر و دکارت و ماتسکیو را راهنمای فعالیت و عمل خود قرار داد.



## اعتصابات و اعتراضات کارگری در سراسر کشور جریان دارد

کارگران بازنشسته و شاغل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه روز ۲۸ تیرماه جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه دست به تجمع اعتراضی زدند خواهان دریافت فوری مطالبات مزدی و بازنشستگی خود شدند. کارگران شاغل بخش صنعت مجتمع نیز در تجمع امروز شرکت داشتند.

کارگران کشتی سازی بحرگستر هرمز ۲۰۰ کارگر شاغل در شرکت کشتی سازی بحرگستر هرمز، روز ۲۸ تیرماه در اعتراض به معوقات مزدی خود و عدم پرداخت حق بیمه مقابل مجتمع کشتی سازی خلیج فارس در بند عباس تجمع کردند. نزدیک به ۵۰۰ کارگر از طریق شرکت بحرگستر هرمز در پروژه‌های کشتی‌سازی در استان هرمزگان مشغول کارند که از اردیبهشت ماه مطالبات مزدی خود را دریافت نکرده‌اند.

کارگران پیمانکاری پتروشیمی رازی کارگران پیمانکاری پتروشیمی رازی در طول هفته گذشته چندین بار در مقابل کارگاهها دست به تجمع اعتراضی زدند. خواست کارگران پرداخت حقوق معوقه و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل است.

کارگران بلبرینگ سازی روز ۲۷ تیرماه شماری از کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن چهارماه حقوق خود دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. کارگران بارها دست به اعتراض زده‌اند.

کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس تعدادی از کارکنان شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس روز ۲۷

تیرماه در اعتراض به عدم پرداخت حق و حقوق خود مقابل سازمان خصوصی‌سازی دست به تجمع اعتراضی زدند. گفته میشود که در این شرکت ۱۲۸۶ نفر در سراسر کشور مشغول به کار هستند. کلیه کارکنان شرکت به پرداخت غیر کامل مطالبات مزدی اعتراض دارند.

### کارگران کیان تایر

از روز ۲۶ تیرماه حدود ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه کیان تایر در اعتراض به تعویق پرداخت دو ماه دستمزد و کاهش تولید و خطر بیکارسازی در محوطه محل کار خود دست به تجمعات اعتراضی زده‌اند. فعالیتهای کلیه خطوط تولید کارخانه از چند روز قبل متوقف شده است.

کارگران روغن نباتی پارس قو روز یکشنبه ۲۶ تیرماه ۸۰ نفر از کارگران کارخانه روغن نباتی پارس قو در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد و مبهم بودن سرنوشت بازگشایی کارخانه در محوطه این کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران صندوق بیمه کشاورزی مقابل مجلس روز ۲۵ تیرماه بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران صندوق بیمه کشاورزی از سراسر کشور در اعتراض به بلائیکلیفی شغلی خود مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی در تهران تجمع کردند. میانگین درآمد این کارگران ۳۵۰ هزار تومان در ماه بوده است و بارها دست به اعتراض زده‌اند.

کارگران شرکت آذراب اراک روز ۲۵ تیر کارگران کارخانه آذراب اراک در اعتراض به تعویق چندماه دستمزد و خلف وعده‌های مدیریت دست به یک راهپیمایی

اعتراضی در وسط شهر زدند. کارگران علی‌رغم حضور نیروهای امنیتی به حرکت خود ادامه دادند. این چندمین بار است که کارگران آذراب دست به اعتراض میزنند.

کارگران بازنشسته صنعت فولاد در تهران روز ۲۴ تیر گروهی از کارگران بازنشسته صنعت فولاد از اقصی نقاط کشور و برای چندمین بار در شش ماه گذشته مقابل ساختمان دفتر مرکزی صندوق فولاد در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواهان پرداخت حق سرپرستی و حق سختی کار و به روز کردن دستورالعمل احکام مربوط به این مطالبات هستند.

کارگران کارخانه منیزیم فردوس روز ۲۴ تیرماه، کارگران کارخانه منیزیم فردوس در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و حق بیمه و اخراج تعدادی از همکارانشان دست به تجمع اعتراضی زدند. به کارگران وعده داده شد که ۸۰۰ میلیون تومان حقوق معوقه کارگران پرداخت میشود.

کارگران استخراجی معدن خاک سرخ هرمز روز ۲۴ تیر ۳۵ کارگر استخراجی معدن خاک سرخ هرمز بدنبال تعطیلی ناگهانی معدن دست به تجمعی اعتراضی در مقابل بخش‌داری جزیره هرمز زدند.

کارگران میدان نفتی آذر ایلام اعتصاب کارگران مرکز نفتی آذر ایلام از اول تیر ماه شروع شده و با پیوستن کارگران و کارکنان دفاتر فنی و مهندسی و غیره تعداد آنها به تدریج به ۳۵۰ تا ۴۰۰ نفر رسید. کارگران علی‌رغم تهدیدات روسای شرکت به اعتراضی ادامه دادند و خواهان پرداخت دستمزدهای خود و جلوگیری از بیکارسازی هستند. روز

۱۴ تیر کارگران برق اصلی دفاتر شرکت توسعه آب و گاز و شرکت کارفرما را قطع کردند و جلو اقدامات کارفرما برای وصل کردن برق شرکت را گرفتند. در ادامه کارگران درب شرکتهای ذکر شده را بستند و اجازه ترده هیچیک از ماشینهای این شرکتهای را ندادند. کارفرما ۱۵۰ کارگر را اخراج کرد اما کارگران مصمانه به اعتصاب و تجمع اعتراضی ادامه دادند.

کارگران ماشین سازی لرستان مقابل استانداری روز ۲۲ تیر همزمان با سفر وزیر کار به استان لرستان، گروهی از کارگران ماشین سازی لرستان در اعتراض به بلائیکلیفی شغلی و معیشتی، مقابل استانداری لرستان دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کارگران به عدم پرداخت چندماه حقوق و بیمه است.

کارکنان مخابرات لرستان و خانواده کارگران اخراجی روز ۲۲ تیر کارکنان مخابرات لرستان با تجمع اعتراضی خود خواستار بازگشت همکاران اخراجی خود شدند. در این تجمع خانواده‌های کارکنان اخراجی مخابرات نیز شرکت داشتند. کارکنان شرکتی لرستان در هفته‌های گذشته بارها تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

در هفته‌های اخیر بارها کارکنان شرکتی مخابرات سراسر کشور، که مجموعاً ۲۴۰۰۰ نفر میباشند، دست به تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی زده‌اند. کارگران خواهان حذف واسطه‌ها و عقد قرارداد مستقیم با مخابرات ایران، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و امنیت شغلی هستند.

کارگران مجتمع پتروشیمی ایلام روز ۲۰ تیرماه بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران مجتمع پتروشیمی ایلام

در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و عدم تعیین تکلیف واحدهای مسکونی مقابل درب ورودی سالن مدیریت مجتمع، تجمع اعتراضی برپا کردند.

پتی شن معلمان در حمایت از محسن عمرانی در پیشینی که در روزهای اخیر توسط معلمان منتشر شده است از معلمان سراسر کشور خواسته شده با امضای آن خواهان آزادی محسن عمرانی، معلم زندانی، که از اردیبهشت امسال در زندان به سر میبرد بشوند.

معلمان حق التدریس مشهد روز ۲۷ تیرماه جمعی از معلمان حق التدریس مشهد دست به تجمع در دفتر یکی از نمایندگان مجلس خواهان رسیدگی به وضعیت استخدامی خود شدند.

اینها تنها گوشه کوچکی از اعتراضاتی است که در سراسر کشور جریان دارد. اعتصابات و تجمعات سراسری توسط بخش‌هایی از کارگران که هر روز به مراکز بیشتری کشیده میشود، حضور خانواده‌های کاری که در هفته‌های گذشته در هفت تپه، معدن هشونی و مخابرات لرستان شاهد بودیم، گستردگی و اشکال تعرضی تری که در اعتراضات دیده میشود در مشخصات اعتراضات کارگری در شرایط کنونی است. بر متن این اعتراضات زمینه اعتصابات و اعتراضات بزرگ و قدرتمند در سطح کشور و متشکل شدن کارگران در سطح سراسری نیز بیشتر فراهم شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ تیر ۱۳۹۷، ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۷

**به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید**